

آشذانی

از دوران ماد و هخامنشی

در کاپادوکیه

« آسیای صغیر »

تعلیم :

فرخ ملکزاده

« دکتر در باستانشناسی »

عنوان
۲۲۵۵۹

از طرف اداره سیاسی ایالت کردستان دارن جمهوری اسلامی ایران

بج اول

بکتابخانه مدرس قم اهدا و وقف گردید تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۶۷

۱۴۰۱ قمری برابر ۱۱/۱۱/۵۹ شمسی - الاصله حبیبی العراق



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲۱۰۲
۹۲

۲۱۰۲
۹۲

آشدرانی

از دوران ماد و هخامنشی در کاپادوکیه

«آسیای صغیر»

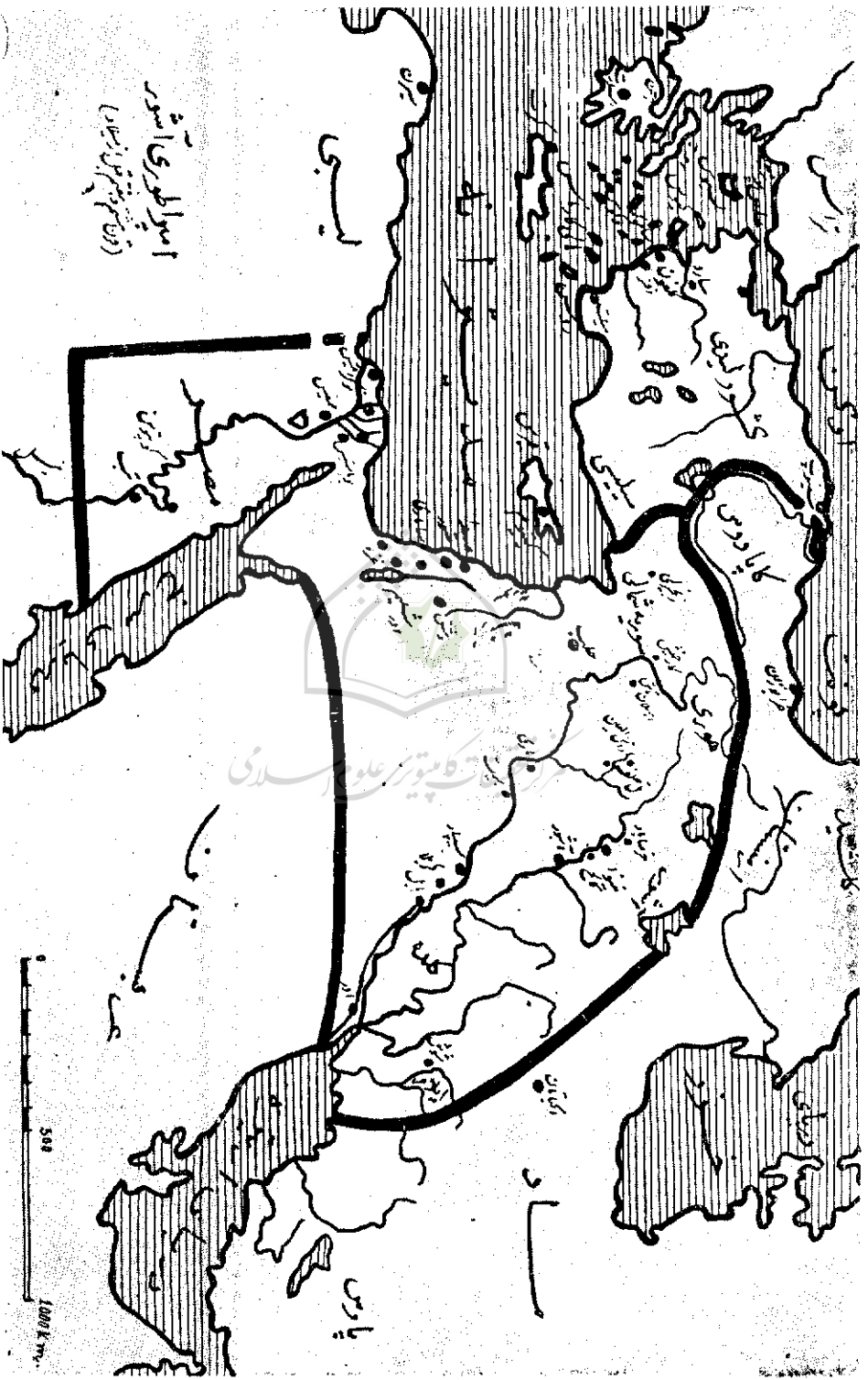
آیت اتم: حائری
موسس
کتابخانه مدرسه فیضیه قم

آتش که آنرا نموداری از خورشید و گرمای آن میدانند یکی از عناصر مهم حیات و بقا جانداران است. تاریخ دقیق استفاده انسان از آتش بدرستی معین نیست ولی مطالعات دانشمندان مؤید این نظریه است که بشر در دوران دیرینه سنگی (پالئولیتیک) موفق به کشف و استفاده از آتش شده است. پس از این واقعه مهم تاریخی استفاده از آتش برای ادامه زندگی و دفع سرما و رفع نیازمندیها ادامه یافته و هنوز نیز ادامه دارد.

فسخ ملل کلا

چون درد نیای باستان مردم بسهولت امروزی قادر به تأمین آتش نبودند نهایت

(۱) کاپادوکیه یکی از ایالتهای دوره هخامنشی در آسیای صغیر است که شامل نواحی کوهستانی بوده بین رود قزل ایرماق (هالیس) و فرات قرار دارد و از جانب شمال به بحراسود و از جنوب به رشته کوههای تاروس و از مغرب به پافلاگونی و از مشرق به ارمنستان محدود است.



امپراطوری آشور
(دولت ساسانی در آسیای شرقی)

نقشه امپراطوری آشور در قرن هفتم و هشتم پیش از میلاد که در آن منطقه کابادوکیه (کابادوس) مشخص شده است. عکس از کتاب: تاریخ ملل قدیم آسیای غربی - تألیف دکتر احمد بهمنش چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۳ صفحه ۲۷۴ (نقل از کتاب حرات عمده تاریخ جهان).

کوشش و مراقبت را در نگاهداری آن بعمل می‌آوردند بدین سبب آتش نزد اکثر ملل باستانی عزیز و مقدس بود. مثلاً خدایان باستانی ودایی همان عناصر طبیعی بودند که مورد پرستش آریاها بود چون: آسمان، زمین، خورشید، آتش و آب...^۲ خدایان ودایی باد آور و بسیاری از خدایان و ایزدان اوستایی، هیتی و میتانی است که همان عناصر باستانی آریایی است. در بین خدایان عمده مذهب ودایی Agni خدای آتش، Paryanya خدای باران، Vayu خدای باد، Rudru خدای بادهای سخت و توفانی و Mithra مقام ارجمندی دارد.^۳

Agni خدای آتش برای مدت زیادی بزرگترین خدای ودایی بود.^۴ او خدایی بود که بوسیله شعله مقدس و زندگی بخش خود انسان را به تعالی سوق میداد. این عنصر مقدس در بین اقوام آریایی مورد احترام و نیایش بوده و در باره آن روایات و افسانه‌های کهن چگونگی پیدایش آتش را بازگو کرده و معلوم میدارد که نخستین کشف آتش جز خدای آتش چیز دیگری نیست. این آتش به وسیله برق از آسمان بروی زمین تولید و باعث کامیابی و بقا و زندگی بشر شده است.^۵ در کیش مزدیسنا پیمان آتش همچون فرزند اهورامزدا ستایش میگردد.^۶ آتش پاک‌ترین و مقدس‌ترین عنصری است که نور افشانی مینماید. آتش نشانه مادی از تصور الوهیت قابل رویت کسی است که خودش منبع روشنائی و پاکی محض است. تصویری آنچنان ژرف که اندیشه «خورشید چشم مزداست» را در بردارد.^۷

(۲) هاشم رضی، دین قدیم ایرانی، تهران ۱۳۴۳، صفحه ۹۹

(۳) - همان اثر، صفحه ۹۹

(۴) - دکتر نظام الدین مجیر شیبانی، تاریخ تمدن، جلد اول، تهران ۱۳۳۷، صفحه ۶۲. درباره خدایان ودایی نگاه کنید به جان ناس تاریخ جامع ادیان ترجمه علی اصغر حکمت تهران ۱۳۴۸، صفحات ۹۴-۱۱۰ و فلیسین شاله، تاریخ مختصر ادیان بزرگ ترجمه دکتر محبی تهران ۱۳۴۶، صفحات ۷۶-۷۸.

(۵) - دین قدیم ایرانی، صفحه ۱۰۰.

(۶) - یسنای دوم، بند چهارم

(۷) - یسنای یکم بند دوم - در این باره مجید رضی در کتاب عصر اوستا تهران ۱۳۴۳، صفحه ۱۷۴ بحث کرده است.

شاهنامه فردوسی^۸ که یقیناً باستان‌مدارک باستانی بصورت شعر و نظم درآمده است حکایت دارد: که روزی هوشنگ شاه با عده‌ای به سوی کوه رفت. در آنجا چشمش به ماری بزرگ و سیاه افتاد و برای کشتن آن سنگی پرتاب کرد مار خزید و سنگ باو نخورد ولی به سنگ دیگری برخورد کرد که آتش از آن پدیدار شد و گیاهان اطراف را آتش زد. بدینسان روشنایی و گرمی را به بشر عرضه داشت. هوشنگ شاه خداوند را نیایش کرد و امر به نگهداری و گرامی داشتن آن نمود و دستور برگزاری جشن سده فرمود.^۹ در اساطیر ایرانی پیدایش و آفرینش آتش به رویدادهای بستگی دارد و عده‌ای از دانشمندان معتقدند که رابطه نزدیک بین آتش و رویدادهای تفکرات و تصورات اقوام هند و ایرانی بیشتر بدین دلیل است که این قوم عادت داشت آتش را از ساییدن دو قطعه چوب بیکدیگر بدست آورد. در کتاب ودا نیز آمده

(۸) - درباره اشعار فردوسی در این مورد نگاه کنید به شاهنامه فردوسی بکوش م. دبیر سیاقی جلد اول صفحه ۱۰۱۸. کارنوی در کتاب اساطیر ایرانی ترجمه دکتر احمد طباطبائی چاپ تبریز ۱۳۴۵ نیز در صفحه ۶۱ با استفاده از کتاب شاهنامه ترجمه وارنرها جلد اول صفحه ۲۳ این اشعار را ذکر نموده است.

(۹) یکی روز، شاه جهان، سوی کوه
پدید آمد از دور، چیزی دراز
نگه کرد هوشنگ باهوش و سنگ
به زور کیانی، بیازید دست
برآمد به سنگ گران، سنگ خرد
فروغی پدید آمد، از هر دو سنگ
نشد مار کشته ولیکن ز راز
هر آنکس که بر سنگ آهن زدی
جهاندار پیش جهان آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد
بگفتا فروغیست این ایزدی
شب آمد برافروخت آتش، چو کوه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد
ز هوشنگ ماند این سده یادگار

گذر کرد، با چند کس، همگروه
سیه رنگ و تیره تن و تیز تاز
گرفتش یکی سنگ و شد پیش جنگ
جهانسوز، مار، از جهانجوی بجست
همین وهمان سنگ بشکست خرد
دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
پدید آمد آتش از آن سنگ باز
از او روشنایی، پدید آمدی
نیایش همی کرد و خواند آفرین
همین آتش آنکاه قبله نهاد
پرستید باید، اگر بخردی
همان شاه، در گرد او، با گروه
سده نام آن جشن فرخنده کرد
بسی باد، چون او، دگر، شهریار

است که آتش در چوب پدید می آید، نطفه روئیدنیها را در برداشته و در آنها پراکنده است.^{۱۰}

قوم هندو آتش را پسر رب النوع آسمان Dyaus میدانست که نخست در آسمان پدید آمد سپس به زمین آورده شد. ولی عده دیگر ریشه آذر را در آبهای آسمانی جستجو میکنند.^{۱۱}

برای خدای آتش Agni خصائص سه گانه ای قائلند (Trisadhasha) زیرا این عنصر مقدس در آسمان و زمین و دل آنها مأوایی دارد.

هوریان دارای خدایانی بودند که مهمتر از همه ته شوب (Theshub) رب النوع رعد و برق و همسرش هه پیت (Hepit یا هه پالها Hepal) رب النوع خورشید است و هروزنی (Hrozny) کلمه عربی حواریا مشتق از این نام میدانند.^{۱۲} کشفیات باستانشناسی در بغاز کوی پایتخت هیتیها در ترکیه و سایر نقاط خاور نزدیک بخوبی نشان میدهد که در تفکرات و اعتقادات مذهبی هندوان و ایرانیان رابطه نزدیک وجود داشته است.^{۱۳} که عده ای آنرا در جوار تأثیر و نفوذ افکار مذهبی ملل همسایه از جمله بابل و آشور ملاحظه میکنند ولی از لحاظ عقاید دینی میان هوریان، میتانیها و هیتیها تشابه فراوانی وجود دارد که همگی دال بر ستایش آتش است.

در یونان، مهد تمدن غرب نیز برای آتش، مقام اساطیری قائل شده و الهه آتش راهسیتا (Hesita) خوانده اند. رب النوع آتش (Prometheus) بجرم ربودن

(۱۰) - دین قدیم ایرانی - صفحه ۳۹.

(۱۱) - همان اثر، صفحه ۳۹.

(۱۲) - صفحه ۲۱۰.

B. Hrozny, Histoire de l'Asie Antérieure, Paris 1947

در کتاب دین قدیم ایرانی، صفحات ۶۵ - ۶۲ نیز با استفاده از کتاب هروزنی این مطلب آمده است.

(۱۳) - دکتر محمد جواد مشکور. تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان تهران ۱۳۴۷، صفحات ۸۸-۸۷.

آتش ایزدی بفرمان زئوس خدای خدایان بسختی تنبیه شد و سرانجام توسط هرقل از بند رهائی یافت. همچنین میدانیم در معبد آپولون که در شهر دلفی واقع است آتش مقدسی وجود داشته است زیرا شخصی بنام اوی تی‌شی‌داس که در نبرد سهمگین پلائته در سال ۴۷۹ پ.م. جان بدر برد و سالم ماند از آنجا که سر نوشت خود را مدیون کرامات خدایان میدانست در قبال این حیات باز یافته برای سپاسگزاری از خدایان، آتش مقدس معبد آپولون را در حال دویدن به محل تولد خود آورد. این سنت هم‌اکنون بنام آتش المپیک در مسابقات ورزشی المپیک بجا مانده است.^{۱۴} (پروفسور کارل ویم نیز سرود مخصوصی بنام آتش المپیک ساخته که در بازیهای جهانی اجرا میشود).^{۱۵}

در رم نیز آتش مورد پرستش بوده و آتش مقدس را در معبد Vesta^{۱۶} نگهداشته و نگاهدارنده آنرا کسه دخترى پاك و از خانواده شريف بود Vestalis مینامیدند.

در کلیسای سن کلمان رم که قبل از تبدیل به کلیسا معبد همیشه (میترا) بوده است نقش برجسته‌ای از میترا بدست آمد که دشنه‌ای در یک دست و مشعلی در دست دیگر دارد.^{۱۷} (شکل ۱).

در مصر آمون رع (Amun Ra) خدای آفتاب بود که پرستشگاهی برای

(۱۴) - عبدالله نادری - اسماعیل کدخدای زاده ، تاریخ المپیک تهران ، ۱۳۴۶ ،

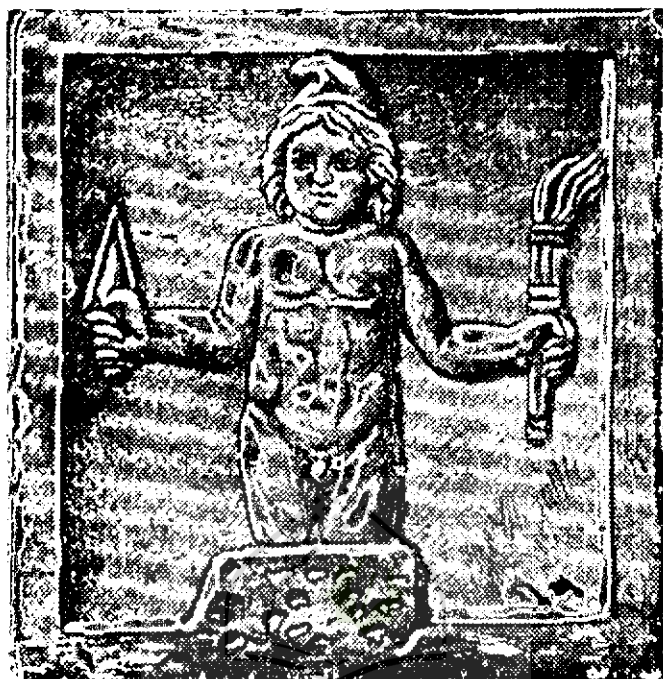
صفحه ۴۹.

(۱۵) همان اثر، صفحه ۵۱.

در سال ۱۳۴۳ آتش المپیک که در بقایای معبد المپ در یونان توسط دختران یونانی برافروخته شده بود به ژاپن فرستاده شد. در مسیر در تهران نیز توقف کرد و مراسم جالبی از جمله کشف آتش بدست ایرانیان در تهران برپا گردید. البته قابل ذکر است که نخستین المپیک را مربوط به ۷۷۶ پ.م. میدانند و المپیک گذشته سیصد و دوازدهمین بازیهای المپیک و از طرف دیگر نوزدهمین المپیک نوین بشمار میرود. رگ به کتاب تاریخ المپیک صفحه ۳۳.

(۱۶) رگ به : اساطیر ایرانی ، صفحه ۳۹.

(۱۷) همان اثر، صفحه ۴۵، کلیشه ۵، نمره ۱.



شکل ۱- نقش برجسته میترا در کلیسای سان کلیمان رم . عکس از: ا. جی. کارنوی، اساطیر ایرانی . ترجمه دکتر احمد طباطبائی تبریز ۱۳۴۱ کلیشه ۵ نمره ۱ .

این خدا در کار ناک ساخته شد و چون مردم تب بر تمام مصر غالب آمدند این خدا مورد پرستش همه مصر گردید. ۱۸

در هند آتش اهلی گرهپتی (GrhaPati) سرورخانه است. هندوان آتش را آتی‌ئی (Atithi) مهمان در خانه مردمان نیز خوانده‌اند زیرا آتش عنصری است جاودانی که نزد مردم فانی مسکن گزیده است همچنین هندوان آتش را (VisPati) سرورساکنین و بعبارت دیگر رهبر و نگهبان خود مینامند. آتش،

(۱۸) از سری جزوات تاریخ هنری جهان شماره ۲ ترجمه دکتر هوشمند ویزه تهران ۱۳۴۹ ، صفحه ۱۱۳ .

برادر، دوست و نزدیکترین خویشاوند بشر است که نققه و قربانیهای جهانیان را نزد خدایان میبرد.^{۱۹}

در ایران نیز مثل هند چند نوع آتش وجود داشت :

۱- آتش بهرام یعنی آتش مقدسی که در حضور اهورامزدا شعله‌ور است و در آتشکده‌ها نگهداری میشود و به نام برزی سون یا برزی سونگه (Berezisavanh) و به معنی بسیار سودمند است .

۲- آتشی که در بدن انسان و چهار پایان مشتعل است و با آنها گرمی می‌بخشد به نام وهو فریان (Vohu Fryana) و به معنی یار نیک است .

۳- آتشی که در گیاهان می‌سوزد به نام اورا زیش (Urvazishta) و به معنی بسیار فرح بخش است.

۴- آتش آسمانی و برقی که گنبد لاچورد را تطهیر میکند و به نام وازیش (Vazishta) یعنی بهین برنده است :^{۲۰}

۵- آتشی که دیو پلید را نابود میکند به نام سپن چغری (Spenyaghrga) معروف است.

۶- آتشی که در بهشت در حضور اهورامزدا پرتوافکن است به نام سپنیش (Spenishta) که به معنی بسیار مقدس است.

اوستا از آتش دیگری به نام نیریوسنگ (Nairyosangha) نام میبرد که این آتش از دودمان خسروانی است .

بنابه نوشته‌های ایرانی ایرانیان آتشکده‌ها را با کندر و عطریات دیگر خوشبو میکردند. موبد برای آنکه آتش مقدس را بانفس خود آلوده نکند

(۱۹) اساطیر ایرانی صفحه ۴۰۳۹.

(۲۰) درباره وایش (Vaishhta) رك به : بند هش ۱۷، ۱ - ۴ و در باره وازیش

(Vazishta) رك به اساطیر ایرانی، صفحه ۴۱.

آگاه شد اعلام کرد که از کیش مسیح بازگشته است ، از این رو وی را در سلطنت نگه داشتند « ۱۰ .

گرچه دینوری از خشم ایرانیان و آهنگ آنان در خلع اردشیر سخن رانده، با اینهمه گمان نمی رود مردم از اندیشه های اردشیر آگاه بوده اند. در واقع مردم دشمن اندیشه های اردشیر نبودند، بلکه موبدان و بزرگان بودند که با اندیشه های اردشیر به دشمنی برخاستند .

این نکته که هفده سال پس از پادشاهی اردشیر جنبش مانویان به اوج خود رسید نشانه اشتیاق مردم به دگرگونی های زندگی و ناخرسندی آنان از بی اعتنائی بزرگان و موبدان و دولت نو بنیاد ساسانی به امر تحول مناسبات اجتماعی بوده است .

آن روزگار و بویژه دوران شاهنشاهی بهرام یکم دوران مبارزه دینوری بزرگ اجتماعی بود که در رأس یکی از آنها کریتر دارای عنوان پرمطراق موبدان موبد، موبد اهورامزدا، نگهبان روان شاهنشاه، مربی دینی شاهنشاه و رئیس دادگاه عالی کشور قرار داشت و نیروی دیگر را مانی، آورنده آئین نو و « پیامبر یکتا خدای جهان و فرستاده او در زمین » رهبری میکرد . کریتر « اتحاد متشکل موبدان و هیربدان سراسر کشور ، پول و زمینهای آتشکده ها را در اختیار داشت، ولی آئین مانی که مورد حمایت بازرگانان و روشنفکران آن روزگار و از بسی جهات به صورت حکمت و فلسفه بود شکل اعتراض مذهبی بخود گرفت و به پرچم یکرشته قیامها و شورشهای مردم علیه جور و بیداد در جهان و در درجه اول به پرچم پیکار با جور و بیداد قنودالی بدل شد . این پیکار تنها محدود به ایران نبود، بلکه سرزمین پهناوری را فراگرفت » ۱۱ .

۱۰ - ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، اخبار الطوال، ترجمه صادق نشات، تهران، ۱۳۴۶، ص ۴۸ و ۸۸ .

11- V.G. Lukonin: Kultura Sasanidskogo Irana. M., 1969, 71, 78.

ایوهان مالالا در روزگار امپراطوری دیوکتین (۲۵۸ - ۳۰۵ میلادی) نوشت: «در روم شخصی بنام بوندس که جانشین مانی بود اندیشه انهدام جور و بیداد را به شیوه انقلابی تبلیغ میکرد»^{۱۲}.

عامل عمده‌ای که مایه دگرگونی سریع اقتصاد ایران شد وضع خاص جغرافیائی ایران بوده است. راه ترانزیت برای گذر دادن کالاهای بازرگانی - راه ابریشم - منبع درآمد بزرگی بشمار میرفت. بازرگانان بیزانسی انواع کالاهای ایرانی، هندی و چینی را از بازرگانان ایرانی می خریدند. از ایران نیز کالاهای کشاورزی از جمله شراب، میوه، گردو و برخی زینت آلات به چین فرستاده میشد. پارچه‌ها و اشیاء فلزی ایران در چین مشتری فراوان داشت. تا کنون نیز برخی از پارچه‌های ویژه زریفت را نه تنها در زبانهای بعضی ملل اروپائی از جمله ملل اسلاو، بلکه در زبان چینی نیز پارچه مینامند.

جز از راه خشکی، راه دیگری نیز میان ایران و دیگر کشورهای جهان وجود داشت که نقش میانجی و واسط ایران را در مبادله کالا بین شرق و غرب فزونتر میکرد و آن راه دریائی به هند، جزایر سیلان و حبشه بود. کاوشهای باستانشناسان و یافتن آبگینه حلب در شمال هند نشانه نقش واسط و میانجی ایران در مبادله کالا میان سرزمینهای گوناگون است.

واسط بودن میان شرق و غرب سبب رونق بازرگانی و پدید آمدن مراکز تجارت و مردمی آزاد شد تا بتوانند نیروی کار خود را چون کالا عرضه کنند. مناسبات کهن اجتماعی مانع بزرگی در راه پیشرفت نیروهای مولده جدید بود. وضع اجتماعی ایران دست کم تعدیلهائی را در مناسبات اجتماعی ایجاد میکرد. این تعدیلهای عبارت بود از واگذاری برخی آزادیهای فردی و ضعیف شدن خاندانهای فئودال بزرگ که تنها چند دودمان از دودمان اشکانی بشمار میرفتند.

12- K.V. Trever: Ocherki po istorii i kulture Kavkazskoy Albanii M.L., 1959 PP. 337-338.

دولت جدید ساسانی که نمیتوانست به چند دودمان کهنه و محدود اشکانی تکیه کند، نیاز میرم به تکیه گاه جدید داشت. از این رو پیشرفت حکومت نوبنیاد باضعف فتودالهای بزرگ و تقسیم آن به ملاکان کوچکتر همراه بود. ضعف دودمان پیشین نیز مایه تقویت ملاکان کوچکتر میشد که به لباس موبدان، بزرگان، سرداران و دبیران درآمد بودند. بدین روال دولت ساسانی تکیه گاهی وسیع یافت که تا اندازه ای پاسخگوی شرایط اجتماعی و اقتصادی آن زمان بود. بدیهی است سبب سقوط دولت اشکانی نیز آن بوده که تنها به قشر محدودی از بزرگان تکیه داشته است.

گرچه مناسبات اجتماعی ایران در آغاز شاهنشاهی ساسانیان دگرگونی اساسی نیافت، با اینهمه پیدایش طبقه های نوین بازارگان و پیشه ور سبب شد تا کشاورزان از آزادی نسبی برخوردار شوند.

رونق بازارگانی میان شرق و غرب سبب تمرکز امور اقتصادی شد و تمرکز امور اقتصادی خود مستلزم پدید آوردن مراکز بازارگانی بود. پیدایش مراکز بازارگانی نیز سبب رشد و تمرکز حرفه های گوناگون شد و از این رهگذر شهرهای تازه پدید آمد.

دلیل روشن تحول بزرگ اقتصادی ایران در روزگار ساسانیان پیدایش شهرهای تازه بزرگ و پرجمعیت بود. ماشهرها و بندرهای بسیاری را از روزگار شاهنشاهی ساسانیان می شناسیم. در سده سوم میلادی شهرهای تازه ای پدید آمد و شهرهای کهنه تجدید بناسدند. این شهرها توانستند پاسخگوی دگرگونیهای که در زمینه بازارگانی و صنعت در ایران پدید آمده بود، بشوند. از این شهرها اردشیرخره، گندی شاپور، ویه اردشیر، بیشاپور، بوداردشیر، هرمزد اردشیر، رامهرمزد، رام اردشیر، فیروز آباد، باد فیروز، رام فیروز، فیروز شاپور، ابرقباد، ابرشهر، هرمزدخره، شاذهرمزد، شاذشاپور، نیوشاپور، و بسیاری دیگر را میتوان نام برد. خوزستان بازار که تازیان آنرا سوق الاهواز مینامیدند

یکی از مراکز عمده بازرگانی در گوشه شمال غربی خلیج فارس بشمار می‌رفت .

افزایش و توسعه شهرها خواست بازارهای داخلی و مراکز ترانزیت را از نظر بازرگانی تأمین می‌کرد . راه بازرگانی چین و هندوستان که به سوریه و میان رودان و روم شرقی منتهی می‌شد « از شهرهای ایران - بویژه تیسفون می‌گذشت » . ۱۳

سبب تجدید بنای شهرهای قدیمی و پیدایش شهرهای تازه را باید در جریان عمومی تقسیم کار اجتماعی جستجو کرد . مناسبات جدید اجتماعی و نیرو گرفتن مالکیت فئودالی بر اراضی، موجب تجدید سازمان اقتصادی کشور شد و در نتیجه آن زندگی شهری نسبت به روزگار شاهنشاهی اشکانیان شکل دیگری یافت .

وجود شهرها موجب عمیق تر شدن تقسیم کار اجتماعی و جدا شدن تولید پیشه‌وران از تولید کشاورزان شد نکته‌ای را که نگارنده قابل ذکر می‌داند آنستکه با وجود تمرکز کارهای پیشه‌وران در شهرهای ایران تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی و صنعت بطور کامل انجام نشد و قرن‌ها همچنان ناانجام باقی ماند . چون از پیشه‌وران یاد شد ضرور است ویژه گیهای پیشه‌وران ایران ، که البته تنها منحصر به ایران نبوده است ، مورد توجه قرار گیرد . پیشه‌وران ایران را باید به دو بخش تقسیم کرد:

پیشه‌وران شهر ، و پیشه‌وران روستا .

گردانندگان اقتصاد شهرها صنعتگران و پیشه‌وران و دیگر تولیدکنندگان آزاد شهر بودند و در واقع وجود همین صنعتگران و پیشه‌وران و تولیدکنندگان آزاد شهرها است که تفاوت بزرگ میان شهرهای نوبنیاد را با شهرهای روزگار برده‌داری مجسم می‌سازد .

13- N. Pigulevskaya: Goroga Irana v rannem srednevekoviem. M-L., 1956, P. 176.

پوشش مادی مورد استفاده پارسیها قرار داشت و بسیاری از بزرگان هخامنشی در آثار مختلف هنری با این پوشش نشان داده شده‌اند **در سه پایانه دوره پهلوی**

اندازه آتشدانی که در وسط این دو نفر قرار دارد کوچکتر از جثه يك انسان بوده و تقریباً بشکل مکعب مستطیل است که در قسمت پائین از سه ردیف پله مانند تشکیل یافته است سپس بدنه آتشدان و بر روی آن سه ردیف دیگر قرار دارد (البته پله‌های فوقانی بعکس پله‌های پائین بوده بسمت بالا بزرگتر میشود). و بر فراز آن محل آتش مقدس دیده میشود.

آتشدان دیگری که از دوره ماد می‌شناسیم مربوط به دخمه سکاوندیا ده نو (واقع در بانزده کیلومتری بین مغرب و جنوب غربی هر سین - کرمانشاه) میباشد که در دامنه کوه کنده شده است. در بالای این دخمه نیز تصویری از يك آتشدان نقر شده است. ۳۳ که طرز ایستادن اشخاص در کنار آن مقدس بودن این آتشدان را اثبات مینماید. (شکل ۳) این دخمه یکی از قدیمی ترین دخمه‌های دوران ماد است که تا کنون شناخته شده است، تصویر این آتشدان و مقایسه آن با مدارك و روایات مذهبی آن دوره دلیل بارزی است بر وجود آتشدان در مراسم مذهبی. متأسفانه به علت عدم بررسی و تحقیقات کافی جز آنچه ذکر شد آتشدان دیگری از دوره ماد بدست نیامده است. قابل ذکر است آتشدانهای فوق‌الذکر نقش برجسته‌هایی است که برای تزئین دخمه‌ها در صخره کوهها کنده شده و خود آتشدان از این دوره بدست نیامده است.

پس از مادها در دوره هخامنشی در نقوش برجسته مقابر پادشاهان هخامنشی تصاویر آتشدانهایی دیده میشود که بر فراز آن آتش مقدس در اشتعال است. (شکل ۴). در نقش رستم چهار دخمه یا آرامگاه بر بالای کوه نقر شده است. ۳۴ که از راست به چپ به ترتیب متعلق به خشایارشا، داریوش کبیر، اردشیر اول

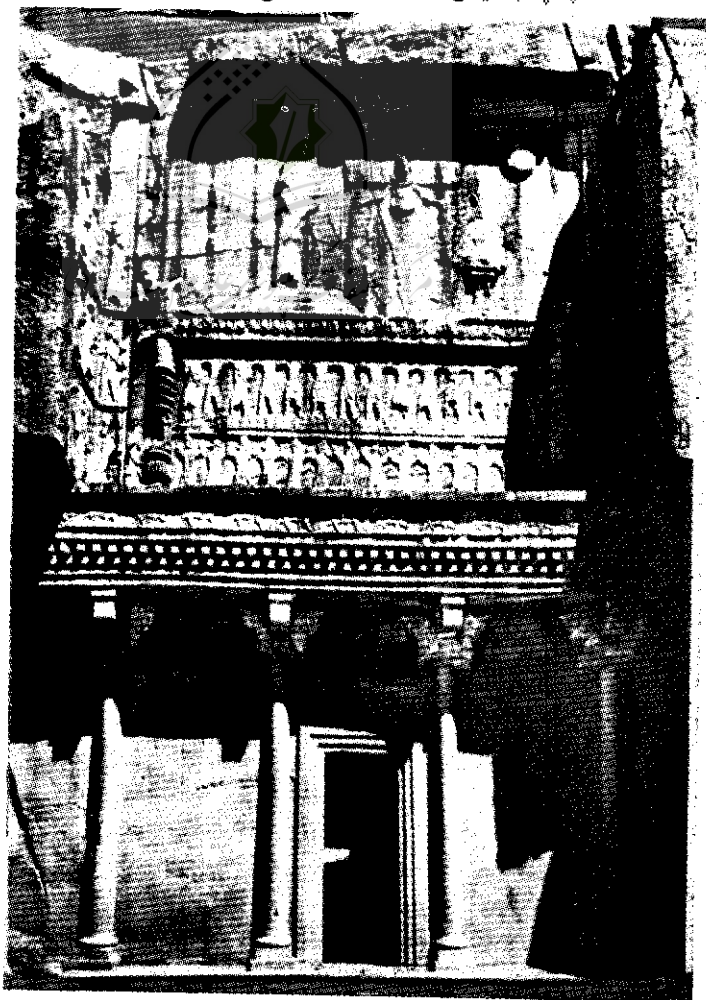
(۳۳) همان اثر صفحات ۸۹-۸۸، شکل ۱۱۷ و مقاله «فرهنگ ماد» صفحه ۱۲ و

کتاب **نگاهی به معماری ایران**، اثر محمد تقی مصطفوی تهران ۱۳۳۶، صفحه ۲۰.

(۳۴) محمد تقی مصطفوی. **اقلیم پارس**، تهران ۱۳۴۳ صفحات ۳۸-۳۷.



شکل ۳- دخمه سکاوند از کتاب رمان گیرشمن هنرایران دردوران ماد وهخامنشی
چاپ پاریس صفحه ۸۹ شکل ۱۱۷



شکل ۴ - تخت جمشید
آرامگاه اردشیر ۲ یا ۳
از گیرشمن هنرایران در
دوران ماد وهخامنشی
صفحه ۲۳۲ شکل ۲۸۰

و داریوش دوم میباید. بلندترین آرامگاه را به خشایارشا نسبت میدهند. در آرامگاه کورش کتیبه مفصلی نیز بخط میخی کنده شده است. در هر چهار آرامگاه تصویری از شاهنشاهان هخامنشی که در حال نیایش میباشد مشاهده میشود. تخت یا اورنگ شاهی بالای دست و دوش نمایندگان ملل تابعه قرار دارد. روبروی شاه، در سمت بالا، فروهر، با بالهای گسترده و در روی زمین آتش مقدس در آتشدان باین صحنهها جنبه مذهبی داده است.

این آتشدانها نیز شبیه آتشدان دخمه قیزقاپان است که ظاهرا تقلیدی از شکل سکویا میزهای هدایائی است که در بین النهرین برای مراسم مذهبی از آن استفاده میکردند. درباره آتش و آتشکده هرودت در کتاب اول بند ۱۳۱ چنین گوید: ۳۵

«تاجائیکه من اطلاع دارم پارسها عادات و رسوم دارند که چنین است: پارسها عادت ندارند که برای خدایان مجسمه برپا کنند و یا معبد و قربانگاهی بسازند. برعکس، آنها کسانی را که چنین کنند به دیوانگی متهم میکنند و علت بنظر من آنست که آنها هرگز مانند یونانیان خصوصیات بشری برای خدایان قائل نبوده اند. رسم آنها چنین است که به مرتفعترین نقاط کوهستان صعود میکنند و در آنجا قربانی هائی به زئوس خداوندی که نام او رابه کائنات و افلاک اطلاق کرده اند اهداء میکنند. آنها برای خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد نیز هدایائی قربانی میکنند. اینها تنها خدایانی هستند که پارسها از قدیم برای آنها قربانی میکرده اند و در بند ۱۳۲ چنین گوید:

«و اما مراسم مذهبی که پارسها در موقع اهداء قربانی باین خدایان رعایت میکنند از این قرار است: پارسها در موقع اهداء قربانی نه قربانگاه بنا میکنند و نه آتش روشن میکنند... ۳۶ (شکل ۵).

(۳۵) تاریخ هرودت، ترجمه دکتر هادی هدایتی، جلد اول، تهران ۱۳۳۶

صفحه ۲۱۵.

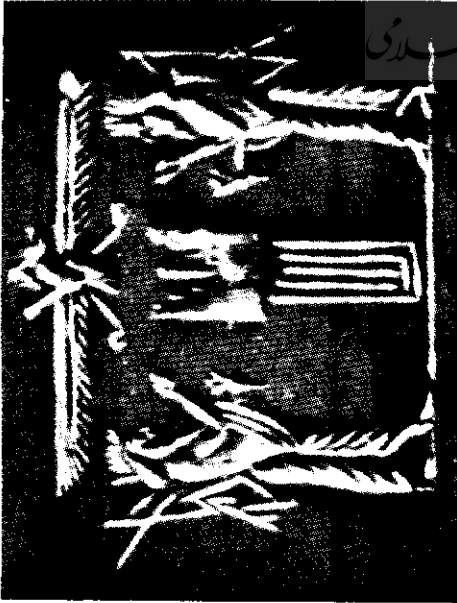
(۳۶) همان اثر، صفحه ۲۱۶. حسن پیرنیا نیز مطالبی با استفاده از گفتار هرودت

آورده است. رك به: ایران باستان، جلد دوم، تهران ۱۳۳۲ صفحه ۱۵۱۸.



شکل ۵- نقش برجسته‌ای از نزدیک دهکده ارگیلی (داسکیلیوزم) که مراسم قربانی در مقابل آتشدان را نشان میدهد .
عکس از:

Th. Macridy, *Archaeologischer Anzeiger*, Berlin 1917.



شکل ۶- دو مهر از دوران هخامنشی که دو شخص را در مقابل آتشدان نشان میدهد از :

A. Parrot, *Assur*, Paris 1963, p. 208, fig. D.E.

باستناد روایات و نوشته‌های مورخین یونان و عدم کشف آتشکده در این دوره تا حدودی می‌شود قبول کرد که در این دوره ایرانیان معبدی نداشته‌اند. ولی چه بسا برای نگاهداری آتش مقدس در مقابل باد و باران وجود محلهایی که بآن آتشکده یا آتشگاه مینامیم ضرورت داشته است. بدین سبب عده‌ای، آتشدان سنگی بجا مانده در پاسارگاد^{۳۷} و پایه آتشدان واقع در نقش رستم و آتشدان سنگی تخت جمشید را مربوط به دوره هخامنشی میدانند. در روی برخی از مهرهای دوره هخامنشی نیز تصویر آتشدان دیده می‌شود که بیشتر شبیه آتشدان آرامگاههای ماد و هخامنشی است. (شکل ۶ - الف و ب)

همچنین در استان فارس در یکی از باغهای دوردست سیلان که بنام «باغ بدره» معروف است تخته سنگی به بلندی ۲/۱۵ متر قرار دارد که نزدیک کوهستان بمسافت کمی از استخراج آب و چشمه سارهای گوشه باغ واقع میباشد. شکل آن نزدیک به هرم مربع القاعده ناقص است و گودال جای آتش در قسمت بالای آن دیده می‌شود. این محل هم اکنون بنام امامزاده فاطمه زیارتگاه مردم آن نواحی بوده و مقابر مردم محل نیز در اطراف آن وجود دارد.^{۳۸}

نزدیک تخت جمشید در اطراف کوه رحمت و کوههای نزدیک آن در بعضی نقاط حفره‌هایی دیده می‌شود که محل افروختن آتش و مربوط به مراسم مذهبی بوده است. در کوهستان نقش رستم حفره‌های آتشدانی را میشناسیم که بنام یوزه آب بخشان خوانده می‌شود هم چنین استودانهای دیگری از عهد هخامنشی در کوه رحمت بین تخت جمشید و خیرآباد (۱۴ کیلومتری جنوب تخت جمشید بنام آخور رستم وجود دارد.^{۳۹}

آثاری که ذکر شد با وجودیکه مربوط به افروختن آتش است هیچکدام شبیه آتشدانهای سکاوند و نقش رستم و قیز قایان نیست.

(۳۷) اقلیم پارس، صفحه ۱۶۵، شکل ۲۱.

(۳۸) اقلیم پارس، صفحه ۱۹-۱۸ و ۱۶۶.

(۳۹) همان اثر، صفحه ۴۴-۴۳.

در نقوش برجسته تخت جمشید^{۳۹} ب گاهی در مقابل تصویر پادشاهان هخامنشی تصویری را مشاهده میکنیم (شکل ۷) که عده‌ای از دانشمندان از جمله پروفیسور گیرشمن آن را آتشدان نامیده‌اند^{۴۰} در حالیکه اینها عود سوزیا بخوردان هستند که هوای محیط را معطر کرده و با تصویر آتشدان مقدس که در بالای آرامگاههای پادشاهان هخامنشی دیده میشود فرق بسیار دارد. پروفیسور رودنکو در بررسی و تحقیقاتی که در جنوب سیریه در نواحی کوههای آلتائی بعمل آورد حفریاتی در پایریک نمود و آثار جالبی از جمله یک فرش بزرگ (که قدیمترین فرش جهان است) و چهار قطعه کوچک فرش دیگر که کنار آنها بهم دوخته شده و بر روی اسب می‌انداختند بدست آورد.^{۴۱} هر کدام از این قطعه فرشها تصویر عودسوز یا بخوردانی را دارا است که در طرفین آن دو بانوی پارسی بطور قرینه بحالت احترام ایستاده‌اند (شکل ۸)، عده‌ای عودسوز یا بخوردان وسط صحنه را بعلت حالت احترام زنها آتشدان نامیده‌اند نفراول را نیز بعلت تاج سروچته بزرگش نسبت به سایرین ملکه دانسته‌اند. پشت سر او زنی ایستاده است که حوله‌دار یا مستخدم است تصویر وسط از نظر شکل و فرم عودساز یا بخوردان میباشد و دلیل آنرا باید در عدم اطلاع کامل هنرمند از آداب و رسوم ایرانی دانست زیرا با احتمال قوی هنرمند بافنده ایرانی نبوده و بعلت عدم آگاهی بر سر مستخدم نیز تاجی مشابه تاج ملکه گذارده است. در حالیکه در دوره هخامنشی از میان بانوان فقط ملکه حق استفاده از تاج را داشته است.

(۳۹) ا. اشمیت. **تخت جمشید**، تهران ۱۳۴۵ لوحه ۱۱۹-۱۲۱-۱۲۲.

(۴۰) رمان گیرشمن، **هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی**، ترجمه دکتر

بهنام. تهران ۱۳۴۷ صفحه ۲۰۵ شکل ۲۲۵.

(۴۱) ر. ک. به، مقاله **نقوش زن در هنر هخامنشی**، **مجله دانشکده ادبیات و علوم**

انسانی شماره ۲۱ سال ۱۶، ۱۳۴۷، صفحه ۸-۷-۶ و مقاله محمد تقی مصطفوی در **جلد سوم**

گزارشهای باستانشناسی، تهران ۱۳۳۴ صفحه ۹۴-۲۵ و کتاب **تمدن هخامنشی**،

تألیف علی سامی جلد دوم. شیراز ۱۳۴۳ صفحه ۲۶۴-۲۵۳ و شکل صفحه ۳۱۴.



شکل ۷- نقش برجسته‌ای از تخت‌جمشید قسمت خزانه که در مقابل داریوش دو عودسوز یا بخوردان دیده می‌شود.

E. Schmidt, *Persepolis*. Chicago 1957.

عکس از :



شکل ۸- تصویری یکی از قطعات فرش مکتشف از پازیریک مربوط به هنر هخامنشی. از: S.I. Rudenko, *Kulturnoe naselenie gornoy Altago*. V. Skifskoe Vremia USSR Academy of Science, Moscow 1953, P. 349 Fig. 117-3

در کوه خواجه يك آتشدان سنگی بدست آمد که آنرا مشابه سنگ آتشگاه آپادانای شوش که توسط دهرگان حفاری و کشف شده است میدانند (شکل ۹) دهرگان آتشدان را مربوط بدوره هخامنشی میدانند که هم‌اکنون در بقعه دانیال نبی در شوش است که زنان نازای محلی از آن مراد می‌جویند.^{۴۲} پس از عهد هخامنشی در دوران سلوکی، اشکانی و ساسانی نیز آتش مورد تکریم و ستایش بوده است. وجود آتشکده‌های دوره اشکانی چون: آتشکده آذرگشنسب در تخت سلیمان ناحیه تکاب آذربایجان شرقی، آتشکده مسجد سلیمان در خوزستان، آتشکده میل اژدها در نورآباد فارس آتشکده چهارطاقی بدر نشانده در خوزستان میدان نفت و آتشکده کوه خواجه در سیستان در پاچه هامون و آتشکده‌های دوره ساسانی چون: آتشکده آذر فرنبغ در کاریان فارس بین بندر سیراف و دارابگرد، آتشکده آذر برزین مهر در ریوند شمالی شرق نیشابور، آتشکده بازه‌هور در خراسان (رباط سفید)، چهارطاقی برزو در ناحیه اراک سلطان آباد، آتشدان سنگی در فیروزآباد فارس، آتشکده جره در جره، آتشکده گنبددار در فراش بند فارس، چهارطاقی قریه فیشور مغرب لار آتشکده تنگ کرم در فسا، فارس، آتشکده کنار سیاه‌بین فیروزآباد و بندر طاهری فارس، آتشکده آتشکوه در نزدیکی محلات آتشکده قلعه کهنه در کاشان - خرم دشت، آتشکده نیاسر در کاشان - آبادی نیاسر، آتشکده کوشک در نطنز، آتشکده نیمور در دلیجان اصفهان، چهارطاقی ایزدخواست در فارس، آتشکده کسر کوی در سیستان، آتشکده بیشاپور در شاپور فارس، و بالاخره دهها آتشکده دیگر مؤید^{۴۳} این نظریه است که تا صدر اسلام در گوشه و کنار ایران برای بزرگداشت

(۴۲) حبیب‌الله صمدی «آثار کوه خواجه» گزارشهای باستان‌شناسی، جلد سوم.

تهران ۱۳۳۴ - صفحه ۱۶۶ - ۱۶۵

(۴۳) در مورد فهرست آتشکده‌های ایران نگاه کنید به: فهرست بناهای تاریخی

واماکن باستانی ایران، تهران ۱۳۴۵.

آتش مقدس آتشدان و آتشکده و آتشگاههایی وجود داشته است. ۴۴ الف از آنجا که احترام به آتش بیش از سایر عناصر مورد توجه بود در پشت سکه های بسیاری از پادشاهان این دوره نقش آتشدان و آتشکده دیده میشود. مثلاً در پشت سکه حکام پارس که خراجگذار سلوکیه بودند نقش آتشکده دیده میشود. ۴۴ ب (شکل ۱۰) در سکه های مزبور سه عدد آتشدان که در میان آتشکده جای دارد در بالای آتشکده نقش کرده اند. در سمت چپ شخصی در حال عبادت است و در طرف راست پرچمی دیده میشود.

جزئیات آتشگاه در سکه های اردشیر اول بهتر آشکار است. آتشگاه را طوری مشخص کرده اند که یک شیئی شبیه سه پایه فلزی در روی آن واقع شده است و آتش مقدس در حال اشتعال در بالای سه پایه مزبور نمایان است. ۴۴ ب (شکل ۱۱).

در سکه شاپور اول از سه پایه خبری نیست و آتشکده بصورت ستونی بزرگ و چهار ضلعی ساخته شده است در طرفین این آتشکده دو نفر با عصا (یا نیزه) بلند ایستاده اند. بعد از شاپور سایر پادشاهان ساسانی این نقش را تقلید و تکرار کرده اند. برخی از پادشاهان ساسانی به تصویر آتشدان و آتشکده در روی سکه ها اکتفا نکرده اند. زیرا در حاشیه بعضی از سکه های پادشاهان اولیه ساسانی تا یزدگرد دوم کلمه «آتش...» دیده میشود که اسم پادشاه صاحب سکه در دنباله کلمه آتش بجای مضاف الیه ضرب شده است. ۴۵

(۴۴ الف درباره آتش و آتش مقدس و آتشکده نگاه کنید به: جان فاس تاریخ جامع ادیان از آغاز تا امروز. ترجمه علی اصغر حکمت تهران ۱۳۴۸ صفحات: ۱۷۴-۱۷۸-۳۰۹-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳ و ۳۷۰)

(۴۴ ب) نیلسون دو بو از: تاریخ سیاسی پارت ترجمه علی اصغر حکمت تهران ۱۳۴۲

(۴۴ پ) (۱۹۷، P. 172, 197, E. Porada, Iran Ancien, Paris 1963)

و تمدن ساسانی، جلد اول صفحه ۳۰۹.

(۴۵) علی سامی تمدن ساسانی، جلد اول، شیراز ۱۳۴۲، ص ۳۱۰



شکل ۹- آتشدان سنگی مکشوف از آتشمکده کوه خواجه . از : حبیب‌الله صمدی
 «آثار کوه خواجه» . مجله گزارشهای باستانشناسی جلد سوم . تهران
 ۱۳۳۴ صفحه ۱۶۷ شکل ۱۱ .



شکل ۱۰- سکه انوفراتیسس سردار ایرانی زمان اسکندر . قرن سوم پیش
 از میلاد . عکس از : نیلسون دو بواز . تاریخ سیاسی پارت (اشکانیان) .
 ترجمه علی‌اصغر حکمت . تهران ۱۳۴۲

با این مقدمه آتشدانی نظیر آتشدانهایی که در تصاویر دوره ماد و هخامنشی میشناسیم تا امروز در ایران بدست نیامده است ولی خوشبختانه این کمبود از دهکده بنیان (نزدیک قونیه) واقع در آسیای صغیر بدست آمده است. دهکده بنیان یا محل کشف آتشدان در دوره هخامنشی در ناحیه کاپادوکیه واقع بوده است. ۴۶ کاپادوکیه یکی از ساتراپیهای هخامنشی در آسیای صغیر است که هرودت درباره آن منطقه بتفصیل صحبت کرده است. ۴۷

موزه آنکارا در ترکیه دارای انبارهای متعددی است که در آنها اشیاء و آثار باستانی نگاهداری و محافظت میشود. اشیاء مزبور بفرخور جنس و نوع و سایر موضوعات طبقه بندی شده است برخی از آثار سنگی را که آب باران برای آنها بی زیان بوده و گاهی نیز برای حیات و محافظت آنها لازم است در انبارهای سرباز و بدون سقف قرار داده اند در بررسیهای نگارنده از انبار بدون سقف (که در بلندترین نقطه مرتفع قلعه آنکارا واقع است) موزه مزبور يك آتشدان سنگی مورد توجه قرار گرفت.

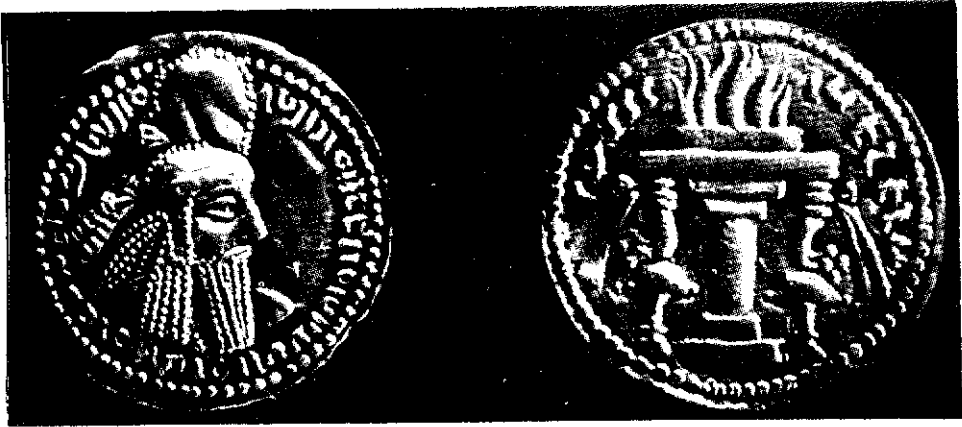
این آتشدان بشکل مکعب مستطیل و بار تفاع ۷۳ و عرض ۵۵ سانتیمتر از سنگ خشن ساخته شده است. در چهار طرف آتشدان نقش برجسته هایی دیده میشود. قسمت آنها یا تحتانی بزمین تکیه دارد. که از تشکیل دوپله رویهم تشکیل شده است. (شکل ۱۲)

کناره های آتشدان در هر چهار طرف برجسته بوده و در قسمت وسط نقش

(۴۶) کروزس پادشاه لیدی به بهانه انتقام خون آستیاگس از رودخانه گالیس گذشت و در پتریه واقع در کاپادوکیه نیردی بین او و کورش در گرفت که بالاخره منجر به پیروزی کورش و فتح سارد گردید. رک به: م. م. دیاکونف تاریخ ایران باستان ترجمه روحی ارباب تهران، ۱۳۴۳، صفحه ۱۰۳.

(۴۷) تاریخ هرودت، ترجمه دکتر هدایتی، جلد اول تهران ۱۳۳۶، صفحات ۶۶،

۱۲۳-۱۲۱-۱۲۶.



شکل ۱۱ سکه اردشیر اول . از :

E. Porada, *Iran Ancien*, Paris 1963, p. 172, 196.



شکل ۱۲ - آتشدان سنگی مکشوف از دهکده بنیان (کاپادوکیه) آسیای
صغیر . از مقاله پروفیسور K. Bittel در مجله باستانشناسی ترکیه
چاپ ۱۹۵۶ .



شکل ۱۳ - طرح يك سمت آتشدان كاپادوكيه . از :

W. Culican. *The Medes and Persians*. London 1969, p. 172, fig. 52.

مغی دیده میشود که برس می در دست راست دارد. مغ هادر هر چهار سمت نیمرخ بوده، پوشش و مشخصات مغهای دوره ماد و هخامنشی را دارا میباشند^{۴۸} (شکل ۱۳) آتشدان کپادو کیه همانطور که ذکر شد از نظر فرم و شکل ادامه آلتارهای (قربانگاه) بین‌النهرین است. در بیشتر اقوام باستانی برای اجرای مراسم مذهبی بویژه قربانی چنین سکوهایی وجود داشته است. در یونان نیز در صحنه‌های مختلف مذهبی، آتشدان شبیه آتشدان مورد بحث آمده است. در هنر آشور^{۴۹} (شکل ۱۴) و آسیای صغیر عود سوز و بخوردانهای شبیه عود سوزهای هخامنشی می‌شناسیم. ولی آتشدان کپادو کیه ضمن اینکه شباهت کاملی با آتشدانهای ایرانی دارد. نقش‌های چهار طرف آن نیز تأیید کننده تعلق آتشدان بایرانیان و یا مراسم مذهبی ویژه ایرانیان است. نقش‌های آتشدان مربوط به تصاویر مغهای آن دوره است زیرا حالت نیایش، طرز پوشش و برسم دست آنها بخوبی بیان کننده این موضوع است.

یکی از مغ‌ها اختلاف کوچکی با سایر مغها دارد که بسیار جالب است و آن عبارت از ظرفی است که در دست یکی از مغ‌ها قرار دارد شبیه چنین ظرفی در بسیاری از صحنه‌های هنر آشور^{۵۰} و هیتی و غیره دیده شده است ولی در آثار دوران ماد و هخامنشی بویژه آثار و صحنه‌های مذهبی آنها چنین ظرفی دیده نشده است در اینجا برای درک مطلب از کیش ایرانیان کمک گرفته و آنرا می‌شناسیم. در کتاب یسنا ۹-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳ از گیاهی بنام هوم^{۵۰} الف بحث میشود، که

(48) E. Akurgal, Die Kunst Anatolia... Berlin 1961, P. 173 Fig-120; K. Bittel, Türk Arkeoloji Dergisi. VI - 2, 1956, P. 45 - 53; W. Culican, The Medes and Persians. London 1969.

(49) A. Parrot, Assur. Paris 1963, P. 51-52, Fig. 60.

(۵۰) - همان اثر، صفحه ۵۲، شکل ۶۰

(۱۵۰) (الف) درباره هوم نگاه کنید به کتاب جامع ادیان تألیف جان ناس ترجمه علی اصغر حکمت تهران ۱۳۴۸ صفحه ۹۶ و کتاب تاریخ مختصر ادیان بزرگ تألیف فلیسین شاله ترجمه دکتر مجبی تهران ۱۳۴۶ صفحه ۷۷

توسط پرنده گان ربانی از آسمان آورده شده و در قتل کوهها بویژه قلۀ البرز میروید .

در مراسم مذهبی هوم در جعبه‌ای جمع آوری و در ظرف آهنین قرار داده میشود سپس مؤبد پنج یاشش قطعه از این گیاه مقدس را از جعبه بیرون آورده و در ظرفی میشود و ساقه آن را در هاوونی خرد میکند و باور (۹) می‌پالاید. بالاخره شیر هوم را با دیگر معایعات مقدس مخلوط میکند و دعا و سرودهای مذهبی میخواند. این مایع، دوردارندۀ مرگ، ارزانی دهنده عمر طویل و ارزانی دهنده فرزندان و شوهر بدوشیزگان است.^{۵۱} با استفاده از یسنا معلوم میشود محتوی ظرف احتمالاً هوم میباشد^{۵۱} الف که مربوط به اجرای مراسم مذهبی ایرانیها است و در ظروف مفرغی لرستان نیز چنین ظرفی دیده میشود.^{۵۲}

(شکل ۱۵)

آتشدان کاپادوکیه از نظر شکل و فرم با کمی اختلاف نظیر آتشدانهایی است که در دوره ماد در قیز قایان و در دوره هخامنشی در بالای آرامگاه‌های شاهنشاهان هخامنشی^{۵۳} و در دوره‌های بعد بر روی سکه‌های اشکانی و ساسانی دیده میشود. ولی این موضوع نیز در خور بحث است که در تصاویر هیچکدام از آتشدانهای فوق‌الذکر و اصولاً آتشدانهای ایرانی نقش مغ در روی آتشدانها دیده نمیشود. هم چنین وجود ظرف محتوی هوم نیز دارای حائز اهمیت است.

(۵۱) - اساطیر ایرانی ، صفحه ۳۷ .

(۵۱ الف) درباره گیاهان مقدس نگاه کنید به مقاله « جغرافیای مذاهب » مجله

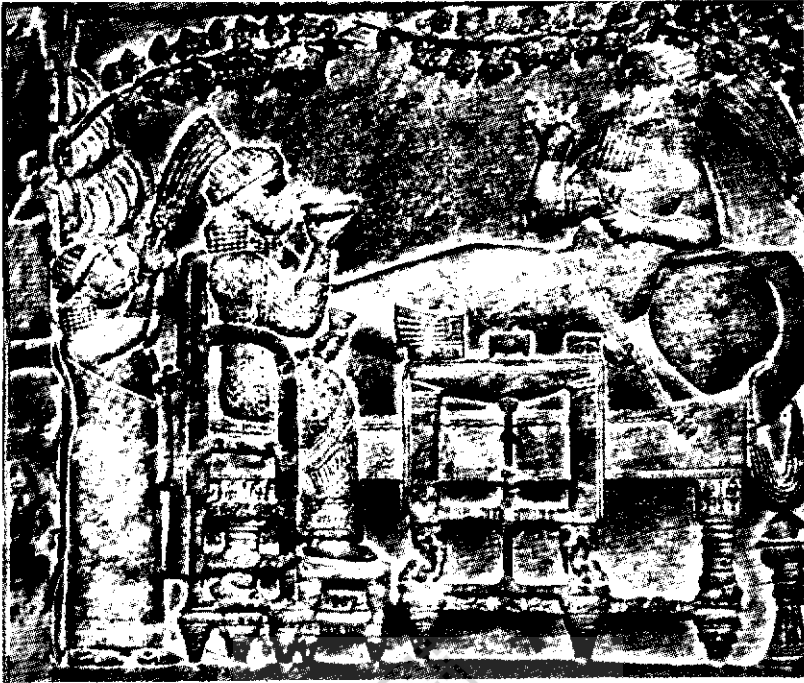
دانشکده ادبیات تبریز. شماره چهارم سال بیستم زمستان ۱۳۴۷ صفحات ۴۶۷-۴۷۹

(۵۲) - آندره گدار - هنر ایران ، ترجمه دکتر بهروز جیبی ، تهران ، ۱۳۴۶ ،

صفحه ۲۹ ، شکل ۲۲ .

(۵۳) - اشعیت در کتاب تخت جمشید ، در صفحات ۲۰ ، ۲۳ ، ۴۱ ، ۵۷ ، ۵۵ ، ۶۲ ،

۶۹- در این زمینه مطالب سودمندی آورده است .



شکل ۱۴ - نقش برجسته آشور بانیمال در نینوا که در آنجا نیز تصویر يك
عود سموز یا بخوردان دیده میشود . از

A. Parrot, *Assur*. Paris 1963, p. 51-52 fig. 60.



شکل ۱۵ - دو روی يك سماغر مفرغی لرستان . از :

w. Culican, *The Medes and Persians*. London 1969. Plate 1-2.

از این نظر آتشدان کاپادو کیه ضمن اینکه در نوع خود اولین آتشدان سنگی بجامانده مورد اطلاع از دوران ماد و هخامنشی بشمار میرود نقوش روی آن نیز جالب و منحصر بفر است. ذکر این نکته را بامور میداند که در حفريات تابستان گذشته در نوشیجان تپه نزدیک همدان که توسط مؤسسه ایرانشناسی بریتانیا در ایران بسرپرستی آقای داوید استروناخ انجام گرفت آتشدانی مربوط به دوره ماد بدست آمده است. از آنجا که هیأت علمی مزبور تا کنون هیچگونه نشریه‌ای در این باره منتشر نکرده است اظهار نظر در این باره موکول ببعدها نشر گزارش حفاری میگردد.

واما کاپادو کیه که محل کشف این آتشدان است بشرحی که قبلا توضیح داده شد یکی از استانهای شاهنشاهی هخامنشی بود که استرابون در ذکر مالیات ساتراپیها آنرا جزو استان سوم آورده است. این استان بجز مالیات نقدی همه ساله ۱۵۰۰ اسب و ۲۰۰۰ قاطر و ۵۰/۰۰۰ گاو و گوسفند میداده است.^{۵۴} از نظر موقعیت جغرافیائی نیز کاپادو کیه^{۵۵} مورد توجه ایران بود زیرا جاده شاهی آن زمان که ۲۶۸۳ کیلومتر طول داشت از شهر افس آغاز گشته بساردمیرفت سپس بفریگیه آمده و پس از گذشتن از رود هالیس به کاپادو کیه میرسید. از کاپادو کیه به کیلیکیه و در آخرین مرحله بشوش منتهی میشد.^{۵۶} درباره اعتقادات مذهبی اهالی کاپادو کیه، استرابون پس از شرح شکست سکاها بوسیله پارسیان اطلاعات جالبی میدهد که اولمستند دانشمند آمریکائی چنین آورده است: «... ولی از آنجا دین پارسی را خود را بسوی غرب به کاپادو کیه

(۵۴) - کتاب ۱۱ فصل ۱۳ بند ۸ و ایران باستان ، جلد دوم صفحه ۱۴۷۶ .

(۵۵) - موسی خورنی مورخ معروف ارمنستان در باره لشکر کشی آرام به کاپادو کیه مطالب سودمندی آورده است . رك به : تاریخ ارمنستان : باهتتام ابراهیم دهکان ، اراك ۱۳۳۱ ، صفحه ۹ ، ۱۱ ، ۲۲ .

(۵۶) - هرودت در کتاب اول بند ۲۸ - ۲۲ - ۷۳ نیز مطالبی در باره کاپادو کیه

آورده است .

آنگاه بسمت جنوب به کیلیکیه باز نمود و از آنجا دریازنان کیش مهر را برگرفتند...»^{۵۷} بجز گفته مورخین یونان منابع ایرانی هم تأثیر نفوذ پرستش آتش را در کاپادوکیه تأیید می‌کند. کرتیر گوید «... هر جا که لشکریان شاهنشاه پا گذاشته‌اند حتی در فارس، سیلیسی، کاپادوکیه ارمنستان، گرجستان تا سرزمین آلن‌ها پرستش آتش برقرار شده است.^{۵۸} در لوحه‌ای که به خط میخی مربوط به قرن ۱۴ و یا ۱۵ پ.م. در کاپادوکیه کشف شده است نام سه تن از خدایان برده شده است که یکی از آنها مهرپرستی (میشره) در آئین زردشتی است که امروز به کلمه مهر تبدیل شده است.^{۵۹} و ممکن است مغان کاپادوکیه آنرا وارد آئین زردشت کرده باشند.^{۶۰} بدین سبب کشف آتشدان دوره ماد یا هخامنشی در کاپادوکیه یک امر عادی است که دلالت بر رابطه، تأثیر و رواج مذهبی و هنری پارسیان در این منطقه می‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- (۵۷) - المستند، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه دکتر محمد مقدم، تهران ۱۳۴۲ صفحه ۴۶۲.
- (۵۸) - تمدن ایرانی، صفحه ۱۷۹ و تاریخ تمدن ایران، صفحه ۱۹۴.
- (۵۹) - سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ. تهران ۱۳۴۲، صفحه ۲۴۲.
- (۶۰) - همان اثر، صفحه ۲۴۳.